

الباب الرابع و العشر من الواحد السادس حكم الله في حين تحويل الشمس.

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الرابع و العشر من الواحد السادس حكم الله في حين تحويل الشمس.

ملخص این باب آنکه خداوند عالم در میان ایام یومی را منسوب بخود فرموده و آن را یوم الله خوانده و ضامن شده هر که حق و حرمت آن یوم را شناسد و آنچه خداوند فرموده در آن عمل کند مثل کل سال جزا دهد او را و یک مثقال ذهب صرف در آن مثل سیصد و شصت و یک مثقال است که در سبیل خداوند صرف نموده باشد و همین قسم در کل اعمال و شئون خیر جاری نموده امر الله را

و آن یومی است که شمس منتقل میگردد از برج حوت بجمل در حین تحویل چه لیل واقع شود و چه نهار سزاوار است که اقل از عدد واحد آلاء نباشد و فوق مستغاث و در این بین هر کس هر چه تواند اذن الله از برای او بوده و هست چه در غیر این یوم در بیان اذن داده نشده تلذذ بآلاء و نعماء متعدده در حین واحد تا آنکه حق آن شیء کامل گردد نزد آن نفس و همچنین در ضیافت محبوب است که بر یک نعمت شود ولی اعلای آن و همچنین در عادت لیل و نهار بر یک نعمت متلذذ شوند در مجلس واحد و تعدد الاء و نعماء را بتعدد مجالس قرار دهند که این اقرب است بتقوی عند الله

و اذن داده شده که در لیل بعدد کل حول این آیه را تلاوت نماید "شهد الله انه لا اله الا هو المهيمن القيوم" و در نهار آیه "شهد الله انه لا اله الا هو العزيز المحبوب" یا آنکه آیه شهد الله که در آن ذکر قدرت است که آن از برای تالین افضل است عند الله



ORIGINAL



AUDIO

و آن یوم یوم نقطه است و هیجده روز بعد از آن ایام حروف حی است که اشرف است از ایام هیجده شهر که هر یومی منسوب بیکی از احکام کلشیء است که کینونیات کل ادلاء بر توحید حقند و در ظواهر چونکه ذکر نبی و وصی در این کور نمیگردد بمؤمنین اطلاق میشود الا یوم قیامت که هر کس را شجره حقیقت بهر اسم که خواهد ذکر میکند و غیر از آن کسی نمی شناسد تا آنکه حکم کند

و در واحد اول صوم جایز نیست بلکه بابواب واحد دخول در جنت واجب

و کل این ظهورات از برای اینکه در یوم "من یظهره الله" که یوم اول یوم او است و مثل او مثل شمس است در نهار باو هدایت یافته نه آنکه مثل این ظهور گردد که مثل این یوم گذشت و کسی که این یوم از برای او خلق شده در حزن بود و حال آنکه این یوم بنسبت باو عزیز گشته

و هر شیء در یوم قیامت ظاهر میشود بر هیکل انسان حتی دقیق و ساعات و لیل و نهار و ایام و شهر و سنین و فوق آن تا آنکه بمطالع آیات ازلیه و ظهورات قدمیه منتهی گردد که آنوقت اجل از این است که ذکر حدود خلقی شود

لم یزل الله کان عالما و قدیما و لم یزل الله کان حاکما و قدیرا.

